

بررسی اثر سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای اسلامی)

حمید ابریشمی

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
abrishami_hamid@yahoo.com

محسن مهرآرا

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
mehrrara@yahoo.com , mmehrrara@ut.ac.ir

محمد رضا ایران نژاد

کارشناس ارشد اقتصاد - دانشگاه تهران
تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۰/۱۵

چکیده

در این پژوهش اثر سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی در یک دوره ۱۴ ساله (۲۰۰۳-۱۹۹۰)، مورد بررسی قرار گرفته و برای انجام تخمین‌های مورد نیاز از روش پانل-پویا استفاده شده است، که در حقیقت نقطه‌ی قوت این مقاله می‌باشد. در این گونه مطالعات تجربی، بررسی اثرات و انتخاب شاخص‌های مناسب برای تحلیل رفتار متغیرها، به‌ویژه صادرات و واردات که در قالب حجم کل تجارت در نظر گرفته شده است و تأکید این پژوهش بر آن‌هاست، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این پژوهش از متغیرهای مرسوم در مدل رشد، نظیر سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی فیزیکی، جمعیت و متغیرهای کنترل، مانند حجم کل تجارت بین‌الملل استفاده شده است. این مقاله در قالب یک مقدمه‌ی کوتاه و سه بخش اصلی و نتیجه‌گیری تدوین شده است. یافته‌های این پژوهش از آثار مثبت و ناچیز سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی در دوره‌ی موردنظر حکایت دارد.

طبقه‌بندی JEL: F1, O41

کلید واژه: رشد اقتصادی، سیاست‌های آزاد تجاری، کشورهای اسلامی، پانل پویا

۱- تا زمان تدوین و نگارش این مقاله، روش پانل پویا با شاخص‌های مورد استفاده در این مقاله، در هیچ تحقیقی به‌کار گرفته نشده است. از سوی دیگر، نمونه‌ی انتخابی تعدادی از کشورهای اسلامی است که تا کنون اثرات آزادسازی بر رشد اقتصادی آن‌ها بررسی نشده است و مطالعات موجود به بررسی اثرات آزادسازی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند.

۱- مقدمه

یکی از موضوعات مهم در ادبیات اقتصاد بین‌الملل، بررسی رابطه‌ی رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل است. آیا تجارت خارجی می‌تواند نیروی محرکه‌ی رشد و توسعه‌ی یک کشور باشد؟ یا برعکس نظریه‌ی مزیت نسبی با نیازهای رشد و توسعه‌ی شتابان ناسازگار است. به طور کلی مسئله‌ی اصلی و مهم این است که چه کشورهایی قادر خواهند بود که از روند جهانی شدن اقتصاد (که اجتناب‌ناپذیر نیز می‌نماید)، بهره‌گیری بیش‌تری کنند. در پاسخ به این پرسش نیز باید اشاره کرد که موفق بودن کشورها در گرو ساختار اقتصادی، قوانین و مقررات حاکم بر اوضاع کشور و توانایی کشور در عرصه‌ی بازارهای بین‌المللی است. در دو دهه‌ی گذشته جهان شاهد تغییراتی اساسی در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کشورها بوده است، که تأکید بر آزادسازی اقتصاد و حذف موانع بر سر راه جریان کالاها، خدمات و سرمایه‌ی بین‌المللی، محدود شدن مداخله‌های اقتصادی دولت‌ها و حرکت به سوی نظام بازار آزاد از مشخصه‌های برجسته‌ی این تحولات است. در حقیقت آزادسازی تجاری یکی از مؤلفه‌های زیربنایی جهانی شدن است و در صورتی که با رعایت اصول و ضوابط کافی انجام‌گیرد، می‌تواند اثرات اقتصادی خوبی برای یک کشور داشته باشد. یک کشور تا زمانی که صنعت داخلی‌اش توسعه نیافته و نتواند به جای مواد خام، مصنوع صادر کند، باید از تجارت آزاد اجتناب نماید. تنها در سایه‌ی تجارت آزاد است که اقتصاد می‌تواند از تقسیم کار بین‌المللی سود ببرد. بدون شک هرگونه سیاست تجاری جدید می‌تواند مزایا و معایبی داشته باشد، ولی باید دید که آیا مزایای آن بیش از معایبش است یا خیر؟ کشورهای اسلامی به دلیل بافت خاص فرهنگی و مذهبی که تأثیر به‌سزایی بر مصرف و رابطه‌ی تجاری‌شان با دیگر کشورها دارد، بیش‌تر زیر ذره‌بین هستند که آیا به چه صورت عمل کنند که با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی‌شان مطابقت داشته باشد. به هر حال تجارت جهانی که بر پایه‌ی مزیت نسبی کشورها در زمینه‌ی تولید و خدمات شکل می‌گیرد، ادبیات گسترده‌ای دارد و از قرن هجدهم با بیان نظریات و اندیشه‌های اقتصاددانانی چون آدام اسمیت، ریکاردو و غیره به طور جدی مطرح شده است.

در این مقاله به بررسی اثر سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی پرداخته و فرضیه‌ی زیر مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد:

آزادسازی تجاری اثر مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی دارد. پس از آزمون این فرضیه به روش پانل پویا، فرضیه‌ی فوق به‌طور کامل تأیید نشده و حاکی از

اثر ناچیز آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب می‌باشد. بخش دوم این مقاله، به مبانی نظری موضوع و دیدگاه‌های مختلف می‌پردازد. مروری بر پیشینه‌ی تحقیق و انواع روش‌های استفاده شده در مطالعات تجربی، محور بخش سوم است. گزینش متغیرهای مناسب و برازش مدل در بخش چهارم خواهد آمد و سرانجام با یک نتیجه‌گیری مقاله به پایان می‌رسد.

۲- مبانی نظری

بسیاری از مطالعات بیانگر رابطه‌ای مثبت بین معیارهای متعدد آزادسازی تجارت و رشد اقتصادی است. اما هنوز، معیابی در آن وجود دارد. نواقص موجود در روش‌های مختلف اقتصادسنجی سبب شده است تا برای بررسی چنین رابطه‌ای از طریق آزمون‌های علمی، مشکلاتی به وجود آید و هم‌چنین در تجزیه و تحلیل داده‌های بخشی نتایج متناقض و مبهمی حاصل شود. مرور خلاصه‌ی ادبیات باز بودن و آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی بر یک نکته مهم تأکید می‌کند، که علی‌رغم وجود ادبیات گسترده در این رابطه، این مباحث به معنی حل کامل مشکلات نبوده است.

۲-۱- نظریات تجارت بین‌الملل و تجربه‌ی رشد کشورها

اثر سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه نیافته یا کم‌تر توسعه‌یافته موضوعی است که قبل از ارائه‌ی مدل خود به شرح آن می‌پردازیم. کشورهای جهان سوم با باز کردن اقتصادهای خود، نه تنها موجب انتقال کالاها، خدمات و منابع مالی کشورهای صنعتی به کشورهای خود می‌شوند، بلکه هم‌چنین آثار توسعه‌ای یا ضد توسعه‌ای حاصل از انتقال فن‌آوری‌ها و الگوهای مصرف این کشورها را نیز وارد می‌کنند. اثر چنین انتقال‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر فرآیند توسعه می‌تواند مثبت یا منفی باشد. صادرات محصولات اولیه به طور سنتی، به‌طور عمده سهم قابل توجهی از GNP را شامل می‌شود. در کشورهای تولیدکننده نفت جمله ایران، فروش محصولات نفتی پالایش شده و نشده به کشورهای جهان، بخش بزرگی از درآمد ملی را شامل می‌شود. به جز کشورهای تولیدکننده نفت و کشورهای تازه صنعتی شده (NICs)، بیش‌تر کشورهای در حال توسعه برای کسب درآمدهای ارزی باید به صادرات محصولات اولیه‌ی غیرمعدنی اتکال داشته باشند. در کنار وابستگی صادراتی کشورهای در حال توسعه، این کشورها، به واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات،

کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای مصرفی برای تقویت و گسترش نظام صنعتی و پوشش احتیاجات مصرفی فزاینده‌ی شهروندان خود نیاز دارند. مالیه و تجارت بین‌الملل را می‌بایست با دید وسیع‌تری بررسی کرد. این که فرآیند توسعه‌ی کشورهای تجارت‌نیافته با نگرشی رو به بیرون و سیاست توسعه‌ی صادرات آن طور که حامیان تجارت آزاد و طرفداران فرهنگ بین‌الملل تجویز می‌کنند بهبود یابد مشخص نیست. هم‌چنین روشن نیست نگرشی به درون و سیاست جایگزینی واردات، آن طور که معتقدان به حمایت از مصنوعات داخلی و ملی‌گرایان فرهنگی پیشنهاد می‌کنند توسعه‌ی اقتصادی را پیش روی این کشورها قرار دهد. انتخاب هر یک از این دو نگرش تا حد زیادی به طبیعت ساختار سیاسی، اجتماعی و نهادی کشور و اولویت‌های توسعه بستگی دارد، لذا نگرش جایگزین برای هم‌زمان به درون و بیرون در سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل، می‌تواند به عنوان راه‌حل دیدگاه صرفاً متکی به داخل یا خارج مطرح باشد. اما به هر حال باید گفته شود که برخی کشورهای در حال توسعه قدرت انتخاب اندکی در مورد داشتن یا نداشتن تجارت دارند، زیرا آن‌ها باید تجارت کنند، وضعیت داخلی و هم‌چنین بین‌المللی، این انتخاب را بر اغلب کشورهای کم‌تر توسعه یافته تحمیل می‌کند.

۲-۲- اصول تئوریک رابطه‌ی سیاست‌های آزاد تجاری و رشد اقتصادی

تفسیر سنتی اقتصاددانان کلاسیک این است که تجارت خارجی می‌تواند نیروی پیش‌برنده‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی باشد. هلامینت (Hlamyint)، نظریه‌ی تجارت بین‌الملل کلاسیک‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- نظریه‌ی روزه‌ای برای مازاد؛

۲- نظریه‌ی هزینه‌ی نسبی ایستا؛

۳- نظریه‌ی بهره‌وری پویا.

بر اساس نگرش روزه‌ای برای مازاد، از آن جا که زمین و نیروی کار در بخش کشاورزی و صنعتی کشورهای رو به توسعه، به طور بهینه و کامل مورد اسفاده قرار نگرفته است، با گسترش روابط تجاری، این دسته از کشورها خواهند توانست ظرفیت‌های بیش‌تری برای تولید فرآورده‌های کشاورزی، ایجاد و بدون کاهش مصرف داخلی، مازاد آن‌ها را صادر کنند. بدین ترتیب امکان ورود کالاهای صنعتی و دیگر فرآورده‌های مورد نیاز در بهره‌وری آدام اسمیتی است. این نگرش بیش‌تر به گسترش

بازار و تعمیم تقسیم کار به وسیله‌ی بهبود فناوری و تخصص در تولید، به نحوی که بتوان بر تنگناهای بازار داخلی فایز آمد، تأکید می‌ورزد. نگرش بهره‌وری پویا، در حقیقت تجارت را به مثابه‌ی نیرویی پویا تفسیر می‌کند که از راه گسترش بازار و تقسیم کار، این اجازه را به کشور می‌دهد که از ماشین‌آلات و ظرفیت‌های شکل گرفته استفاده بیش‌تری ببرد، در حالی که نوآوری در تولید برانگیزته می‌شود و هم‌چنین بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد. در کل، کشور درگیر تجارت این توانمندی را کسب می‌کند تا از بازده‌های فزاینده و توسعه‌ی گسترده‌ی اقتصادی بهره‌مند شود.^۱

پس از کلاسیک‌ها، اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک، با طرح انتقاداتی از نظریه‌ی مزیت نسبی، الگوها و نظریه‌های تجاری دیگری طراحی کردند که منسجم‌ترین آن‌ها نظریه‌ی هکشر-اوهلین است. این نظریه را بعدها اقتصاددانان دیگری مانند ساموئلسون تکمیل کردند. نظریه‌ی مزبور سعی در تبیین علت تفاوت نسبت‌های هزینه میان کشورها دارد و بر اساس نتایج آن، تفاوت در الگوی تجارت و نسبت قیمت‌ها قبل از مبادله، ناشی از تفاوت وفور عوامل در طرف عرضه و اختلاف شرایط تقاضاست، نه تفاوت فناوری، اقتصاددانان نئوکلاسیک در زمره‌ی طرفداران نظام تجاری آزاد و هم‌سو با اندیشه‌های کلاسیک‌ها هستند.

در دو دهه‌ی اخیر، نظریه‌ی تجارت بین‌الملل دستخوش تحولات شگرفی شده است. نظریه‌پردازان جدید، منطق مرسوم تجارت آزاد را زیر سؤال برده، با معرفی عناصر دیگری غیر از وفور عوامل، به عنوان شالوده‌ی تجارت، مانند صرفه‌های مقیاس، تخصص یافتن در محصول و پیشرفت تکنولوژی و با رد فرض رقابت کامل در داخل و بین کشورها، موجب پیدایش سیاست استراتژیک تجاری شده‌اند، که توجیهی برای مداخله‌ی تجاری و حمایت‌گرایی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است، طبق این نظریه، کشور می‌تواند از راه حمایت تجاری موقت، سوبسیدها، مزایای مالیاتی و طرح‌های همکاری مشترک دولت-صنعت در حوزه‌هایی مانند نیمه‌هادی‌ها، رایانه‌ها، ارتباطات راه دور و سایر حوزه‌هایی که برای رشد آتی اقتصاد کشور حساس شناخته می‌شوند، مزیت نسبی را برای خود ایجاد کند. این صنایع که تکنولوژی بالایی دارند، با ریسک زیادی مواجه‌اند و رسیدن آن‌ها، به صرفه‌های خارجی گسترده‌ای می‌انجامد.^۲ در عین حال، در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، منتقدان سیاست‌های حمایتی، به ویژه نئولیبرال‌ها،

۱- متوسلی محمود، سیاست‌های تجاری و توسعه‌ی اقتصادی، ۱۳۸۰، صص ۲۲-۲۱.

2- Salvatore, 1996, 33.

این سیاست‌ها را مانع رشد و بهره‌وری دانسته، و دوباره بر آزادسازی تجاری تأکید کردند.

۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

سابقه‌ی تخصیص بهینه‌ی منابع بین بخش‌های مختلف اقتصادی و واگذاری نقش‌های مختلف اقتصادی به افراد یا بخش خصوصی و دولت، از دیرباز در علم اقتصاد مطرح بوده است. سیاست‌های رشد صادرات محور یا سیاست‌های تجاری برون‌گرا، مبتنی بر حجم انبوهی از تحقیقات تجربی، در سه دهه‌ی گذشته مورد آزمون قرار گرفته است. ویژگی بارز بسیاری از این تحقیقات، لحاظ کردن صادرات به عنوان متغیر اضافی در تابع تولید است. در ساده‌ترین حالت، معادله‌ی رشد زیر برای آزمون فرضیه‌ی مربوط به اثر مثبت صادرات بر رشد اقتصادی استفاده شده است:

$$dy = \beta_0 + \beta_1 dL + \beta_2 \left(\frac{I}{Y}\right) + \beta_3 dx \quad (1)$$

که در آن dy ، رشد تولید، $\frac{I}{Y}$ نسبت سرمایه‌گذاری به تولید، dL رشد نیروی کار و dx رشد صادرات است. ضریب β_2 ، تولید نهایی سرمایه و ضرایب β_1 و β_3 کشش‌های تولید نسبت به نیروی کار و صادرات هستند. این معادله بر اساس مشاهدات بین کشوری، سری زمانی، داده‌های پانل و هم‌چنین داده‌های خرد در سطح بنگاه یا صنعت به اشکال مختلف، مورد برآورد قرار گرفته و نتایج آن در بسیاری موارد، بر آموزه‌ی رشد مبتنی بر صادرات تأکید کرده است. به طور کلی برای بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی، از سه روش زیر می‌توان استفاده کرد:

با استفاده از مشاهدات بین کشوری یا پانل، سری‌های زمانی و مدل‌های تعادل عمومی، که از این میان می‌توان به مطالعات سالواتوره وهاچر^۱ (۱۹۹۱)، ماسچوس^۲ (۱۹۸۹)، مباکو^۳ (۱۹۸۹)، بالاسا^۴ (۱۹۸۵)، رام^۵ (۱۹۸۵)، فدر^۶ (۱۹۸۳)، ویس^۷ (۱۹۹۲)، چاند و سن^۸ (۱۹۹۵) و مولاگا و وئیس^۹ (۱۹۹۶)، گروسمن و هلپمن^{۱۰}

1- Salvatore and Hatcher.
2- Moschos.
3- Mobaku.
4- Balassa.
5- Ram.
6- Feder.
7- Wiss.
8- Chand and Sen.
9- Mulaga and Weiss.
10- Grossman and Helpman.

(۱۹۹۰)، رایور، باتیز و رومر^۱ (۱۹۹۱)، ماتسویاما^۲ (۱۹۹۲)، ادوارد^۳ (۱۹۹۳)، کروگر^۴ کروگر^۴ (۱۹۹۷) و رودریک^۵ (۱۹۹۹)، اشاره کرد.

وست بروک و تایبوت^۶، تأثیر آزادسازی تجاری بر بهره‌وری مکزیک بر اساس داده‌های پانل طی دوره‌ی ۱۹۸۴-۱۹۹۵ برای گروهی از صنایع کارخانه‌ای، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان داده است که به دنبال آزادسازی، هزینه‌های متوسط در بیش‌تر صنایع به ویژه تولیدکنندگان کالاهای قابل مبادله، کاهش یافته است. جن کینس^۷ (۱۹۹۷) نیز، در مطالعه‌ی عملکرد صادراتی در بولیوی نشان داد که آثار این سیاست تجاری در چنین کشوری، با درآمد پایین، اندک است. میترا و کریشنا^۸ کریشنا^۸ (۱۹۹۸)، آثار آزادسازی تجاری در سال ۱۹۹۱ را بر رقابت و بهره‌وری در کشور هند با استفاده از داده‌های خرد پانل برای دوره‌ی ۱۹۸۶-۱۹۹۳ روی مجموعه‌ای از بنگاه‌های نمونه مورد مطالعه قرار داده‌اند. شواهد حاصل نشان می‌دهد که سیاست‌های مذکور به افزایش رقابت و افزایش نرخ رشد بهره‌وری منجر شده‌اند. شرما^۹ (۲۰۰۰) اثرات آزادسازی تجاری را روی تغییرات ساختاری صنایع کارخانه‌ای نپال که در گروه کشورهای کم‌تر توسعه یافته طبقه‌بندی می‌شود، مورد بررسی قرار داده است. آزادسازی تجاری در کشورهای کم‌تر توسعه یافته با درآمد پایین، به دلیل پایین بودن کوشش‌های عرضه و فرایند اولیه‌ی صنعتی‌سازی، ممکن است مشکل این دسته از کشورها را حل نکند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تغییرات ساختاری تا حدودی در تولید و جهت‌گیری تجاری مشاهده می‌شود. اما بهبود معنی‌داری در رشد کلی بهره‌وری و توزیع فضای صنعتی، که عمدتاً به دلیل کمبود زیرساخت‌های اساسی و نیروی کار ماهر است دیده نمی‌شود. گرینوی، مورگان و رایت^{۱۰} (۲۰۰۲) نیز، در پژوهش خود برای بررسی اثرات آزادسازی تجارت بر رشد اقتصادی در یک نمونه شامل ۷۳ کشور و برای دوره‌ی ۱۹۸۵-۱۹۶۵، از یک مدل پانل پویا استفاده کرده‌اند، که علاوه بر در نظر گرفتن شاخص‌های زیادی که بر رشد تأثیر می‌گذارند، یک سری شاخص‌های

1- Rivera – Batiz and Romen.

2- Matsuyama.

3- Edwards.

4- Krueger.

5- Rodrik.

6- Westbrook and Tybout.

7- Jenkinss.

8- Krishna and Mitra.

9- Sharma.

10- Greenaway, Morgan, Wright.

کنترل را به‌عنوان متغیرهای بازبودن و آزادسازی تجاری به‌کار برده‌اند، مدل آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

$$\Delta \ln y_{i,t} = \alpha \Delta \ln y_{i,t-1} + \beta_1 \ln y_{i,65} + \beta_2 \text{SCH}_{i,65} + \beta_3 \Delta \ln \text{TTI}_{i,t} + \beta_4 \Delta \ln \text{POP}_{i,t} + \beta_5 \left(\frac{\text{INV}}{\text{GDP}} \right)_{i,t} + \beta_6 \text{LIB}_{i,t} + \Delta \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

$y_{i,t-1}$: GDP سرانه‌ی واقعی با وقفه

$y_{i,65}$: GDP سرانه‌ی واقعی برای سال ۱۹۶۵

$\text{SCH}_{i,65}$: سطح ثبت‌نام کنندگان دبیرستانی در سال ۱۹۶۵

$\text{TTI}_{i,t}$: شاخص روند تجارت

$\text{POP}_{i,t}$: جمعیت

$\left(\frac{\text{INV}}{\text{GDP}} \right)_{i,t}$: نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی

$\text{LIB}_{i,t}$: متغیر موهومی آزادسازی

آن‌ها این مدل را از مدلی که در تحقیق لوین و رنلت^۱ (۱۹۹۲) استفاده شده بود، اقتباس کردند. کار اصلی آن‌ها وارد کردن متغیر تأخیر زمانی در این مدل بود که سبب این چارچوب تبدیل به یک مدل پانل پویا برای بررسی اثرات کوتاه‌مدت آزادسازی بر روی رشد اقتصادی شود. نتایج حاکی از آن بود که آزادسازی تجاری در بین کشورها سریع‌تر شدن رشد اقتصادی را موجب می‌شود. ما نیز در این تحقیق از مدلی مشابه مدل بالا استفاده خواهیم کرد.

شکیبایی و کمالی دهکردی (۱۳۷۲)، در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی آزادسازی تجارت و تبعات و پیامدهای آن در چند کشور منتخب، به این نتیجه رسیدند که آزادسازی تجارت برای کشورهای منتخب در این تحقیق، سبب سریع‌تر شدن رشد اقتصادی می‌شود.

حافظی و مانی (۱۳۷۷)، در پژوهشی با عنوان اثربخشی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی، با استفاده از تکنیک‌های هم‌گرایی، به بررسی تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رشد موجودی سرمایه تأثیر مثبت معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد، ولی رابطه‌ی معنی‌داری بین نرخ رشد اشتغال و رشد اقتصادی وجود ندارد. هم‌چنین آن‌ها نتیجه گرفتند که رشد صادرات و واردات

1- Levine and Renelt.

تأثیر مثبت معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد و تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی بیش از تأثیر واردات بر آن است.

۴- معرفی و تخمین مدل

به طور کلی برای بررسی اثرات سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی از سه روش می‌توان استفاده کرد؛ استفاده از مشاهدات بین کشوری یا پانل، سری‌های زمانی و مدل‌های تعادل عمومی، که در تحقیق موجود از روش پانل دیتا استفاده شده است. این روش در تحلیل و بررسی آثار مختلف جهانی شدن و آزادسازی خارجی اقتصاد، به ویژه آثار آزادسازی تجارت بر رشد اقتصادی به طور گسترده‌ی به کار رفته است. وست بروک (۱۹۹۵)، تأثیر آزادسازی تجاری بر بهره‌وری را در کشور مکزیک بر اساس داده‌های پانل طی دوره‌ی ۱۹۸۴-۱۹۹۵ برای گروهی از صنایع کارخانه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. جن کینس (۱۹۹۷)، آثار آزادسازی تجاری در سال ۱۹۹۱ را بر رقابت و بهره‌وری در کشور هند با استفاده از داده‌های پانل برای دوره‌ی ۱۹۹۳-۱۹۸۶ روی مجموعه‌ای از بنگاه‌های نمونه مورد مطالعه قرار داده‌اند. هم‌چنین در مطالعات دیوید و دلار (۱۹۹۲)، که یکی از مشهورترین مقالات در ادبیات مربوط به رابطه‌ی باز بودن تجاری و رشد اقتصادی است، از داده‌های آماری ۹۵ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۷۶ برای توجیه اهداف مورد بررسی استفاده شده است. یافته‌های مطالعه‌ی گری‌نوی، مورگان و رایت (۲۰۰۲)، که بر اساس داده‌های ۷۳ کشور انجام شده است، حکایت از آن دارد که باز بودن تجاری، اثر تعیین‌کننده‌ای بر رشد دارد. در این مقاله نیز از مدلی شبیه به این مدل، البته برای ۲۶ کشور و برای فاصله‌ی زمانی ۲۰۰۳-۱۹۸۵ و روش رگرسیون بین کشوری پانل پویا (GMM)^۱ که نقطه‌ی قوت این تحقیق است، استفاده شده است، که ضمن معرفی مدل، به بررسی نتایج تجربی آن در این قسمت خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که تاکنون هیچ‌یک از محققان داخلی از روش پانل پویا در تحقیقات خود برای بررسی فرضیه‌ی مطروح شده با شاخص‌های مورد نظر در این تحقیق استفاده نکرده‌اند و فقط تعداد محدودی از پژوهشگران خارجی از این روش اقتصادسنجی در بررسی‌های خود بهره برده‌اند، لذا اسامی پژوهشگران داخلی صرفاً به دلیل تشابه موضوعی ذکر شده است.

1- Generalized Method of Moments.

۴-۱- جمع آوری اطلاعات

در این تحقیق از ۲۶ کشور در میان کشورهای اسلامی استفاده شده است، که دارای همگونی و شرایط اقتصادی نزدیک‌تر و آمارها و اطلاعات بیش‌تر و مناسب‌تری در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی بودند. از سوی دیگر بحث آزادسازی، سابقه‌ای طولانی‌تر در این کشورها دارد و حرکت به سوی آزادسازی تجاری و برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای با توجه به شرایط اقتصادی موجود در این کشورها به صورت جدی‌تر در دستور کار بوده است. البته نکته‌ی حائز اهمیت، شرایط فرهنگی، مذهبی و اجتماعی موجود در این کشورهاست، که سبب ایجاد تفاوت‌هایی در این کشورها در مقایسه با سایر کشورها (غیراسلامی) شده است. کشورهای اسلامی منتخب در این تحقیق به ترتیب عبارتند از:

آلبانی^۱، الجزایر^۲، بحرین^۳، بنگلادش^۴، بنین^۵، بورکینافاسو^۶، کامرون^۷، کوموروس^۸، مصر^۹، اندونزی^{۱۰}، جمهوری اسلامی ایران^{۱۱}، اردن^{۱۲}، کویت^{۱۳}، موریتانی^{۱۴}، مراکش^{۱۵}، موزامبیک^{۱۶}، نیجریه^{۱۷}، عمان^{۱۸}، پاکستان^{۱۹}، عربستان^{۲۰}، سنگال^{۲۱}، سودان^{۲۲}، تونس^{۲۳}، ترکیه^{۲۴}، امارات متحده‌ی عربی^{۲۵} و ازبکستان^{۲۶}.

-
- 1- Albania.
 - 2 - Algeria.
 - 3 - Bahrain.
 - 4 - Bangladesh.
 - 5 - Benin.
 - 6 - Burkina Faso.
 - 7 - Cameroon.
 - 8 - Comoros.
 - 9 - Egypt, Arab Rep.
 - 10 - Indonesia.
 - 11 - Iran, Islamic Rep.
 - 12 - Jordan.
 - 13- Kuwait.
 - 14 - Mauritania.
 - 15 - Morocco.
 - 16 - Mozambique.
 - 17 - Nigeria.
 - 18 - Oman.
 - 19 - Pakistan.
 - 20 - Saudi Arabia.
 - 21 - Senegal.
 - 22 - Sudan.
 - 23 - Tunisia.
 - 24 - Turkey.
 - 25 - United Arab Emirates.
 - 26 - Uzbekistan

۴-۲- تعیین متغیرها

در حقیقت برای به دست آوردن رابطه‌ی بین رشد اقتصادی و سیاست‌های آزاد تجاری از روش تعمیم^۱ یافته گشتاورها (GMM) استفاده شده که تخمین زنی برای روش پانل^۲ پویاست و به وسیله‌ی Holtz-Eakin, New ey and Rosen (1988), Arellano and Bond (1991) و Arellano and Bover (1995) توسعه داده شده است و در این مسیر از دو دسته داده‌های^۳ مقطعی و داده‌های سری زمانی^۴ استفاده می‌شود. می‌شود. مدل رگرسیون رشد کشوری در حالت کلی به صورت زیر است:

$$\Delta \text{Ln}y_{it} = \alpha \Delta \text{Ln}y_{i,t-1} + \beta' x_{i,t} + \Delta \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

$y_{i,t}$: بیانگر GDP واقعی سرانه است.

$y_{i,t-1}$: بیانگر GDP واقعی سرانه باوقفه است.

$x_{i,t}$: بیانگر ماتریسی از متغیرهای توضیحی است.

$\varepsilon_{i,t}$: بیانگر جزء خطاست.

برای تخمین مدل و از بین بردن اثرات ثابت از روش آرانو^۵- بوند (تفاضل) استفاده استفاده می‌کنیم و برای برطرف کردن هم‌بستگی متغیر با وقفه و سایر متغیرهای توضیحی از ماتریس ابزارها استفاده می‌کنیم. در این روش آرانو- بوند، تخمین زن GMM دو مرحله‌ای را ارائه می‌دهند.

در مطالعه‌ی تجربی از متغیرهای گوناگونی برای بردار X استفاده می‌شود، نظیر: سرمایه‌گذاری فیزیکی، سرمایه‌ی انسانی، باز بودن تجاری، جمعیت، مخارج دولت، متغیرهای جغرافیایی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پرمیوم نرخ ارز، وفور منابع طبیعی، نهادها و کیفیت سیاست کلان اقتصادی و... که با توجه به شرایط خاص کشورهای اسلامی و اطلاعات موجود از مدل زیر برای بررسی اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی استفاده شده است:

$$\begin{aligned} \text{DLNGDP}_{i,t} = & \beta_1 \text{DLNGDP}_{i,t}(-1) + \beta_2 \text{DLNPOP}_{i,t} + \beta_3 \text{DLNGCF}_{i,t} \\ & + \beta_4 \text{DLNTRADE}_{i,t} + \beta_5 \text{LIT}_{i,t} + \Delta \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad (5)$$

1- Generalized Method of Moments.

2- Dynamic Panel.

3- Cross- Section.

4- Time series.

5- Arellano- Bond (Difference).

6- Two- Step. GMM.

DLNGDP_{i,t}: بیانگر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه است.
 DLNGDP(-1)_{i,t}: بیانگر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه با وقفه است.
 DLNPOP_{i,t}: بیانگر نرخ رشد جمعیت است.
 DLNGCF_{i,t}: بیانگر نرخ رشد سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی است.
 DLNTRADE_{i,t}: بیانگر نرخ رشد حجم کل تجارت است.
 LIT_{i,t}: بیانگر نرخ با سوادی است.
 که ضرایب و توضیحات بیش‌تر به‌طور کامل در جدول و بخش‌های بعدی ارائه خواهد شد. لازم به ذکر است که TRADE از دو جزء تشکیل شده است:
 واردات کالا و خدمات (% of GDP)
 صادرات کالا و خدمات (% of GDP)

۴-۳- تخمین مدل

در حقیقت اطلاعات خود را درباره‌ی متغیرها از داده‌های بانک جهانی^۱ (۲۰۰۵) استخراج کردیم و مدل^۲ خود را برای دوره‌ی زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۰ که این اطلاعات از فراوانی بهتری برخوردار بودند، تخمین زدیم.

Variable	coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob
DLNGDP(-1)	۰,۰۶۱۸۴۳	۰,۰۰۸۴۰۹	۷,۳۵۴۳۹۱	۰,۰۰۰۰
DLNGPOP	-۰,۰۵۴۹۹۹۰	۰,۱۲۶۸۱۵	-۴,۳۳۶۹۳۴	۰,۰۰۰۰
DLNGCF1	۰,۰۹۷۸۰۷	۰,۰۰۳۹۸۱	۲۴,۵۷۰,۸۸	۰,۰۰۰۰
DLNTRADE	۰,۰۳۱۹۹۰	۰,۰۰۴۰۹۸	۷,۸۰۵۸۶۵	۰,۰۰۰۰
LIT	۰,۰۰۰۶۹۶	۰,۰۰۰۸۷۶	۰,۷۹۴۳۱۰	۰,۴۲۷۷
Effects Specification				
Cross-section fixed (first differences)				
Mean dependent var	۰,۰۰۱۸۰۹	R-squared	۰/۲۰۱۸۷۱	
S.D dependent var	۰,۰۵۸۴۲۱	Adjusted R-squared	۰/۱۹۰۶۶۹	
Sum square resid	۰۷۸۷۲۴۷	E of regression	۰/۰۵۲۵۵۷۵	
Instrument rank	۲۶,۰۰۰۰۰	J-statistic	۱۹/۱۰۲۷۱	
GCF= GROSS CAPITAL FORMATION. GDP= GDP PER CAPITA POP= POPULATION TOTAL.				

1- World Bank (2005).

۲- البته مدل را برای دوره‌ی ۲۰۰۴-۱۹۸۵ تخمین زدیم، که با توجه به نامتوازن بودن مدل و به علت ناهمگون بودن برخی از داده‌ها در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۵، در نهایت مدل را در دوره‌ی ۲۰۰۳-۱۹۹۰ تخمین زدیم.

ابزارهای مورد استفاده به صورت زیر هستند:

@DYN(DLNGDP,-2)
DLNPOP
DLNGCF1
DLNTRADE

برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها از Sargan Test استفاده کردیم که به صورت زیر است:

در این آزمون، فرضیه‌ی صفر حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال است.

$$PVal = @ chisq (t - statistic , k - p)$$

K: عبارت است از تعداد متغیرهای تخمین زده شده.^۱

P: حاکی از rank ابزار است.^۲

$$Sargan Test = . / ۵۷۸۵۵۱$$

۴-۴- تفسیر مدل

همان طور که ضرایب برآورد شده نشان می‌دهند، تمامی ضرایب دارای علامت مورد انتظار می‌باشند و متغیرهای مربوطه نیز اثر موردنظر را بر متغیر وابسته‌ی مدل دارند، به طوری که اثر نرخ رشد جمعیت بر نرخ رشد GDP معکوس و اثر نرخ رشد سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، حجم کل تجارت و نرخ باسوادی بر نرخ رشد GDP مثبت است. در حقیقت طبق ادبیات متعارف^۳ حجم کل تجارت اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و یکی از شاخص‌های معتبر آزادسازی تجاری است. لازم به ذکر است که متغیری مانند نرخ رشد جمعیت اثر معکوس و قابل توجهی بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی دارد، که حاکی از شرایط خاص موجود در کشورهای مورد بررسی است، برعکس، متغیرهای دیگر که اثر مثبت بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی دارند، در حقیقت یک اثر ناچیز در مقایسه با نرخ رشد جمعیت دارند که نشان می‌دهد، هنوز شرایط لازم برای آزادسازی تجاری در این کشورها وجود ندارد و تمهیدات لازم برای آن در نظر گرفته نشده است. بنابراین می‌توان گفت با توجه به نتایج به دست آمده، اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی مثبت است، ولی میزان این اثر هنوز ناچیز

1- Coefficients.

2- instrument Rank.

3- Conventional literature .

می‌باشد و نمی‌توان با قاطعیت کامل فرضیه‌ی تحقیق را تأیید کرد و به نظریه‌پردازی در این زمینه پرداخت.

۵- جمع بندی و ملاحظات

باتوجه به این که طی دهه‌های اخیر تلاش برای دسترسی به بازارهای جهانی، یکی از اهداف اصلی بیش‌تر کشورهای دنیاست، رهایی از قید و بند مرزهای جغرافیایی و حرکت به سوی یک اقتصاد باز و جهانی، امری اجتناب‌ناپذیر است، لذا حرکت آزاد نیروی انسانی و سرمایه از مرزهای جغرافیایی کشورها و رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای آزادی تجارت و شکل‌گیری سیاست‌های وارداتی و صادراتی مناسب و حساب شده برای یک کشور، ضروری به نظر می‌رسد. باتوجه به بافت فرهنگی، اقتصادی و مذهبی در کشورهای اسلامی، این مراحل باید با احتیاط و توجه بیش‌تری انجام گیرد، تا ضمن بهره‌مندی از منافع آزادسازی تجاری، از اثرات مخرب و ویرانگر آن در زمینه‌های مختلف جلوگیری به عمل آید. به هر حال در این تحقیق به بررسی اثر سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی پاره‌ای از کشورهای اسلامی که دارای داده‌ها و اطلاعات مناسب بودند پرداخته شده، به‌طوری نتایج حاصل حاکی از وجود یک اثر مثبت و معنی‌دار ناچیز ناشی از سیاست‌های آزاد تجاری بر رشد اقتصادی در این کشورهاست.

همان‌طور که در تفسیر مدل توضیح داده شد، متغیرهایی مانند: نرخ تشکیل سرمایه‌های ناخالص داخلی، نرخ باسوادی و نرخ رشد حجم کل تجارت، اثر مثبت و نرخ رشد جمعیت اثر معکوس و منفی بر نرخ رشد GDP در این کشورها دارند.

باتوجه به نبود اطلاعات کافی برای شاخص‌هایی چون مالیات، بر تجارت بین‌الملل، نسبت عوارض بر واردات کل، نسبت عوارض بر صادرات کل و ...، برای بسیاری از این کشورها، از وارد کردن آن‌ها در مدل خودداری شده است. ولی امید است که در آینده ضمن برآورد مقادیر این شاخص‌ها، از آن‌ها در مطالعات مربوط به اثرات آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی و بررسی ابعاد گوناگون آن، استفاده شود.

البته تحقیق حاضر نه نقطه‌ی شروع مطالعات انجام گرفته در این زمینه است و نه نقطه‌ی پایانی آن، فقط گامی است رو به جلو در این زمینه و امید آن است که محققان و پژوهشگران با بهره‌گیری از نتایج این مطالعه و مطالعات قبلی به بررسی ابعاد گسترده‌تر در این زمینه بپردازند.

فهرست منابع

- ۱- ابریشمی، حمید، (۱۳۷۵) "اقتصاد ایران"، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- اخوی، احمد، "تجارت بین الملل"، راهبرد بازرگانی و توسعه‌ی اقتصادی.
- ۳- استیگلیتز، جوزف، (۱۳۸۲) "جهانی‌سازی و مسائل آن"، ترجمه‌ی حسن گلریز، تهران، نشر نی.
- ۴- سید حمید رضا اشرف‌زاده، (۱۳۸۴) "تأثیر هم‌گرایی‌های منطقه‌ای بر تجارت بین کشورهای اسلامی"، پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- اکبری، محمد رضا و کریمی هسینجه، (۱۳۷۹) "تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه" مجله‌ی برنامه و بودجه، شماره‌ی ۵۲ و ۵۳، ص ۸۴-۶۳.
- ۶- ایروانی، جواد، (۱۳۸۳) "شناخت‌سازمان تجارت جهانی"، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۷- بدن، لویی، (۱۳۵۶) "تاریخ عقاید اقتصادی"، ترجمه‌ی هوشنگ نهبانندی، نشر مروارید.
- ۸- برانسون، ویلیام اچ، (۱۳۷۶) "اقتصاد کلان"، ترجمه‌ی عباس شاکری، تهران، نشر نی.
- ۹- "بررسی تطبیقی شیوه‌های تشویق صادرات در چند کشور منتخب"، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۹، ص ۸۸.
- ۱۰- بهکیش، محمدمهدی، (۱۳۸۱) "اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن"، تهران، نشر نی.
- ۱۱- تقوی، مهدی، (۱۳۷۹) "اقتصاد سیاسی بین‌الملل"، تهران، امور اقتصادی.
- ۱۲- تودارو، مایکل، (۱۳۷۸) "توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم"، ترجمه‌ی دکتر غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه‌ی عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ۱۳- جلالی نائینی، سید احمدرضا و محمدی، (۱۳۷۵) "صادرات و رشد اقتصادی"، پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره ۱.
- ۱۴- جوادی، شاهین، (۱۳۷۷) "بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و تجاری جهانی بر اساس داده‌های فصلی ۱۳۷۵-۱۳۴۹، با تأکید بر ساختار وارداتی"، به راهنمایی آقای دکتر ابوالقاسم مهدوی، دانشکده‌ی اقتصاد، دانشگاه تهران.

- ۱۵- جونز، چارلز آی، (۱۳۷۹) "مقدمه‌ای بر رشد اقتصادی"، ترجمه‌ی حمید سهرابی و غلامرضا گرایبی‌نژاد، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۶- حافظی، مجبیتی، (۱۳۷۷) "اثر بخشی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی با استفاده از تکنیک‌های هم‌گرایی"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۷- رحیمی بروجردی، علیرضا، (۱۳۷۴) "روابط تجاری بین‌المللی معاصر، تئوری‌ها و سیاست‌ها"، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۸- سالواتوره و دیگران، (۱۳۷۵) "گات و نظریه‌های جدید تجارت بین‌الملل"، ترجمه‌ی احمد اخوی، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۱۹- سلامی، حبیب‌الله، (۱۳۷۸) "تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان (WTO) بر بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی در یک مدل تعادل عمومی"، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، گزارش نهایی طرح تحقیقاتی.
- ۲۰- سلمانی، بهزاد و کاظم یآوری، (۱۳۸۳) "سیاست تجاری و رشد اقتصادی: مورد کشورهای صادرکننده‌ی نفت" پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۳۰.
- ۲۱- سلمانی، بهزاد و کاظم یآوری، "رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی: مورد کشورهای صادرکننده‌ی نفت" پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۳۷، ۱۳۸۴.
- ۲۲- فرجادی، غلامعلی و محمدرضا لعلی، (۱۳۷۶) "تأثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بر رشد اقتصادی ایران" پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۴.
- ۲۳- "فصل‌نامه‌ی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی"، تهران، وزارت امور اقتصاد و دارایی، شماره‌ی ۳۳، بهار ۱۳۸۴.
- ۲۴- کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۵۲) "نظریه‌ی اقتصاد بین‌المللی"، دانشگاه تهران.
- ۲۵- کمالی اردکانی، مسعود و نصیری، میترا، (۱۳۸۳) "تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت"، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۲۶- کیندل برگر، چارلز، (۱۹۶۵) "توسعه‌ی اقتصادی"، ترجمه‌ی رضا صدوقی، جلد دوم.
- ۲۷- گرجی، ابراهیم و معصومه علیپوریان، (۱۳۸۵) "تحلیل اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک" پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۴۰.
- ۲۸- گریفین، کیت، (۱۳۷۵) "راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی" ترجمه‌ی حسین راغفر، انتشارات نی، تهران.

- ۲۹- متوسلی، محمود، (۱۳۸۰) "سیاست‌های تجاری و توسعه‌ی اقتصادی"، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۳۰- "مجله‌ی روند"، سال پانزدهم، شماره‌ی ۴۶، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳۱- "مجله‌ی علمی پژوهشی دانشگاه مفید قم"، سال دهم، شماره‌ی پیاپی ۴۲ خرداد و تیر ۱۳۸۳.
- ۳۲- "مجموعه‌ی مقالات همایش جهانی شدن اقتصاد" (برگزارکنندگان مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری)، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۲.
- ۳۳- محسنی، رضا، (۱۳۸۴) "تبعات آزادسازی تجاری بر رشد صنعتی در ایران"، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۳۴- مردوخی، بایزید، (۱۳۶۷) "مروری بر توسعه‌ی اقتصادی هند"، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- ۳۵- مصورنیا، سهیلا، (۱۳۷۶) "بررسی رابطه‌ی رشد صادرات و رشد اقتصادی"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، به راهنمایی آقای دکتر محمود متوسلی، دانشکده‌ی اقتصاد، دانشگاه تهران.
- ۳۶- مولوی، محمدعلی، (۱۳۶۵) "بازار مشترک کشورهای اسلامی".
- ۳۷- مهدوی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰) "راهبردهای کلان رشد اقتصادی ایران"، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۳۸- والیانی، شهره، (۱۳۷۷) "بررسی رابطه‌ی تجارت و رشد اقتصادی بر اساس مزیت‌های به کار گرفته نشده‌ی اقتصادی - فنی - مدیریتی - راهبردی"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، به راهنمایی آقای دکتر فرزین‌وش، دانشکده‌ی اقتصاد، دانشگاه تهران.

- 39- Anorou, Emmanuel and Yusuf Ahmad (2000), "Openness and Economic Growth; Evidence from selected Asean Countries", The India Economic Journal, Jan-March.
- 40- Atkinson, Toby D. Merriam-Webster's "guide to international business communications". 2nd ed. Springfield, Mass: Merriam- Webster; 1996. 412 p.
- 41- Baltagi, badi H, (2002), "Econometrics Analysis of data", second Edition, Johnwileys sons, LTD.
- 42- Barro, Robert, Mankiw and sala- I- Martin (1992), "Capital Mobility in Neoclassical Models of Growth", NBER working paper, NO. 4206.

- 43- Bhagwati, Jagdish N; Panagariya, Arvind, and Srinivasan, T. N. "Lectures on international trade". 2nd Ed ed. Cambridge, Mass: MIT Press; 1998. xii, 602 p.
- 44- Bela Balassa, "Exports and Economic Growth," *Journal of Development Economic*, 5(1978) pp.189-191.
- 45- Chow,P.(1987),"Causality between Export Growth and Industrial Development",*Journal of Development Economics*.
- 46- Dollar and Kray(2001),"Trade Growth and Poverty",
- 47- <<http://www.worldbank.org/research>>.
- 48- Dutta,D. and Ahmad,N.(2001),"Trade Liberalization and Industrial Growth in Pakistan: A Cointegration Analysis",*Sydney:Sydney University,School of Economics and Political Science*. <http://www.econ.usyd.edu.au/staff/ddutta/>
- 49- Edwards, S., 1993. "Openness, Trade Liberalization, and Growth in Developing Countries", *Journal of Economic Literature* 31, 1358-1393.
- 50- E.I.U, "Brazil Country Profil", 1992, pp.19-20.
- 51- Fischer, Stanley and Dornbusch, Rudiger, "Introduction to Macroeconomics", McGraw-Hill Book company, New York 1994.
- 52- Frankel, J.A., Romer, D., 1999. "Does trade cause growth?" *American Economic Review* 89 (3), 379-399.
- 53- Greenaway David, Wyn Morgan, Peter Wright, "Trade Liberalization and Growth in Developing Countries", *Journal of Development Economics*, Vol. 67 (2002) 229-244.
- 54- Hall, Robert E., and Taylor, John B.,"*Macroeconomics*", W. W. Norton &Company, New York, 1991.
- 55- Harrison, A., 1996. "Openness and Growth: a time series, cross-country analysis for developing countries", *Journal of Development Economics* 48, 419-447.
- 56- "Human Development Report", (1998), United Nation.
- 57- "International Financial Statistics" (2004), IMF.
- 58- Jenkins, R. (1995), "Does Trade Liberalization Lead to Productivity Increases? A Case Study of Bolivia Manufacturing", *Journal of International Development*, 7(4), 577-97.
- 59- Johnson H. G, "International Trade and Economic Growth", 1958.
- 60- Kaplan, Edward S. "American trade policy 1923-1995". Westport, Conn, London: Greenwood Press; 1996. x, 176 p.
- 61- Kim,E.(2000),Trade Liberalization and Productivity Growth in Korean Manufacturing Industries:Price Protection,Market Power and Scale Efficiency",*Journal of development Economics*,Vol.62,55-83.
- 62- Krishna,P. and D.Mitra(1998),"Trade Liberalization,Market Discipline and Productivity Growth:New Evidence from India",*Journal of Development Economics*,56,447-62. <http://www.ingentaconnect.com>
- 63- Krueger, Anneo, "The Effects of Trade Strategies on Growth", *Finance & Development*, Vol. 20, No. 2, pp. 68.

- 64- M.A.Malawi: BIRDET La Politique dug Developpement des pays sous Developpes Paris Le 28 Mai 1957 pp 374-378.
- 65- Mohsin Khan, "Private Investment and Economic Growth in Developing Countries," world development vol.18, NO.1990 pp.19-27.
- 66- Nowak-Lehman, Felicitas (2000), "Trade Policy and its Impact on Economic Growth: Can openness speed up output Growth?"
- 67- Robelo (1991), "Long- Run policy Analysis and long- Run Growth", J. of political Economy, No. 99.
- 68- Rodriguez, F., Rodrik, D., 2001. "Trade policy and Economic Growth: A Skeptic's Guide to the Cross-national Evidence", In: Bernanke, B.S., Rogoff, K. (Eds.), NBER Macroeconomics Annual 2000. MIT Press, Cambridge. <http://www.ksg.harvard.edu/rodrik/skepti1299.pdd>.
- 69- Rodrik D., 1999." The New Global Economy and Developing Countries: Making Openness Work", Overseas Development Council, Washington, Dc.
- 70- Sachs, Jeffrey and Andrew Warner (1995),"Economic Reform and the Process of Global Integration", Brooking in Economic Activity.
- 71- Salvatore Dominic (1990), "International trade policies, Industrialization and Economic Development", The International Trade Journal, Vol. 10, No. 1, spring.
- 72- Sharma, K.(et.al.)(2002),"Liberalization and Productivity Growth: The Case of Manufacturing Industry in Nepal", Oxford Development Studies, Vol 28, No2, 205-222.
- 73- Thomas F. Rutherford, David G. Tarr, "Trade Liberalization, Product Variety and Growth in a Small Open Economy: A Quantitative Assessment", Journal of International Economics 56 (2002) 247–272.
- 74- Tybout, J.R. and M.D.Westbrook (1995),"Trade Liberalization and The Dimension of Efficiency Changes in Mexican Manufacturing Industries", Journal of Development Economics, 39, 53-78.
- 75- Tyler, William G.(1981),"Growth and Export Expansion in Developing Countries and Some Empirical Evidence",Journal of Development Economies.
- 76- William H.Greene, "Econometrics Analysis", Fifth Edition, New York University, 2003.
- 77- "World Development Report", 1996.
- 78- "World Development Indicators" (2005), WDI.